

واکاوی مفهوم معماری در امتزاج با رسانه در جهان معاصر

الهه فارغ^۱، سیامک پناهی^{۲*}، عترت لعل بخش^۳، محمود رضایی^۴

۱- دانشکده معماری و شهرسازی، واحد کرج، دانشگاه آزاداسلامی، کرج، ایران
e.faregh@yahoo.com

۲- دانشکده معماری و شهرسازی، واحد کرج، دانشگاه آزاداسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسیول)

09122646257
0000-0002-6406-1641
Siamak_architecture@yahoo.com
<https://scholar.google.com/citations?user=nhUzlvGAAAAJ&hl=en>

۳

۳- استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاداسلامی واحد کرج، کرج، ایران

Etrat.lalbaksh@gmail.com
<https://scholar.google.com/citations?user=AvDSZfIAAAAAJ&hl=fa>

۴- دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

0000-0002-9776-3834
mahmudrezaei@iau.ir

<https://scholar.google.com/citations?user=ignYFMQAAAAJ&hl=en>

Analyzing the Concept of Architectural Episteme in Fusion with Media in Anthropocene Era

Elahe Faregh¹, Simak Panahi^{2*}, Etrat LaalBakhsh³, Mahmoud Rezaei⁴

1. PhD Student of Architecture, Department of Architecture and Environment Design, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

09122646257.
e.faregh@yahoo.com

2. Assistant Professor of Architecture, Department of Architecture and Environment Design, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

siamak_architecture@yahoo.com (Correspondence),

3. Assistant Professor of Architecture, Department of Architecture and Environment Design, Karaj Islamic University, Karaj, Iran. Etrat.lalbaksh@gmail.com

4. Associate Professor, Department of Architecture and Environment Design, Tehran Central Branch, Azad Islamic University, Tehran, Iran.

Mahmudrezaei@iau.ir

چکیده

اهداف: پژوهش بر آنست تا با توجه به گسترش مرزهای دانش معماری معاصر و ضرورت رویکردهای میان رشته ای بر آن و با کمک نظریه پردازی مبتنی بر بازاندیشی پارادایم و با هدف خلق مفهوم، نظام فکری جدیدی در فضای میان رشته ای از دو پدیده اجتماعی رسانه و معماری طرح ریزی نماید که واکاوی مفهوم خلق شده مستلزم درک معنای اپیستمه به ادبیات فوکویی، تشخیص زمانی یعنی عصر جهش رسانه ای حاضر، عصر آنتروپوسین و تشریح مدل ارتباطی یعنی امتزاج است.

روش ها: با رویکردی برخوردار از پارادایم ماده گرایی نوین و با استفاده از الگوریتمی ملهم از شیوه پیرس، نظریات حوزه رسانه و معماری به مثابه داده و با قیاس و استقرا ترکیب و نتایج پس کاوی می شوند. سپس به شیوه پساکیفی مفاهیم جدید در قالب یک گزارش خلق می شوند. با توجه به گستره این نظام، با طرح چند مثال از امتزاج داده ای نظریات رسانه ای در نظریه پذیرفته در پژوهش (معماری به مثابه رسانه) بهره گرفته شده است.

یافته ها: یافته های ماخوذ از پس کاوی نظریات تاریخی حوزه رسانه و معماری، شکل دهنده سامانی از گزاره های مفهومی در بستر پساکیفی و با بکارگیری خلاقیت نگارنده را می دهند.

نتیجه گیری: این پژوهش حاکی از امکان خلق نظامی دانایی بر مبنای گزارشی ریزوماتیک را می دهند که می تواند با ادبیات فوکویی به نام اپیستمه معماری در امتزاج با رسانه در عصر آنتروپوسین خوانده شود که در بستر رویکرد پژوهش قابل واکاوی است و احتمالاً می تواند به عنوان میراثی از معماری معاصر، ساختاری بنیادین در مطالعات میان رشته ای از حوزه رسانه و معماری را پی ریزی نماید.

واژگان کلیدی: اپیستمه، معماری، امتزاج، عصر آنتروپوسین، رسانه، معماری معاصر، مبانی نظری معماری، معماری مدرن

Abstract:

Aims: This research aims to plan a new intellectual system in the interdisciplinary space of two social phenomena, media and architecture, with the help of theorizing based on paradigm rethinking and with the aim of creating a concept. It requires understanding the meaning of episteme in Foucault's literature, temporal identification, i.e. the age of the current media leap: the Anthropocene era, and the description of the communication model, i.e. fusion.

Methods: With an approach based on the paradigm of modern materialism and using an algorithm inspired by Peirce's method, the theories of the field of media and architecture are taken as data and combined with analogy and induction, and the results are analyzed. A report is created. Considering the extent of this system, the writer has used the data combination of McLuhan's theories, the philosopher of the media age, with architectural data by designing an example.

Findings: The findings obtained from the research of historical theories in the field of media and architecture form a system of conceptual propositions in a post-qualitative context and by using the writer's creativity.

Conclusions: This research indicates the possibility of military creation of knowledge based on a rhizomatic report that can be read with Foucault's literature called architectural episteme in combination with media in the Anthropocene era, which can be analyzed in the context of the research approach and can probably be considered as a legacy of contemporary architecture to establish a fundamental structure in interdisciplinary studies in the field of media and architecture.

Key words: Episteme, Architecture, Fusion, Anthropocene era, Media, Contemporary Architecture, Architectural Theories, Modern Architecture

مقدمه

با ورود به قرن ۲۱ جهان شاهد تغییر و تحولات لحظه‌ای شد که سرعت بالای تولید علوم مختلف و انفجار تکنولوژی و اطلاعات، سرعت بخشی در درک معنایی جدید از معماری و بازیابی مفاهیم جدید را ضروری برمی‌شمرد. " رسانه ها نه تنها انتقال دهنده پیام هستند بلکه به شیوه ای بنیادین ، واقعیات و فرهنگ بشر را شکل خواهند داد و به تغییرات عمیق در جوامع انسانی دامن خواهند زد " [۱]. فضای نظریه ورزی معماری در عصر حاضر به لطف فناوری‌های متعدد و گستره اطلاعات ماهیت چندگانه یافته است. نسبت معتقد است که از میانه دهه ۱۹۶۰ نظریه معماری در حقیقت میان رشته‌ای می‌شود و بر دامنه گسترده‌ای از الگوهای انتقادی متکی می‌گردد [۲]. " پژوهش های میان رشته ای به یک پارادایم غالب در تحقیقات تبدیل شده اند و به عنوان مکانیسمی حیاتی برای پیشبرد تحقیقات بنیادین، پرورش نوآوری های اصلی و تحول آفرین و تسهیل توسعه فناوری های نوین عمل میکنند " [۳]. فلذا پژوهشگران حوزه معماری را بر آن می‌دارد که درک نوینی از رویکردهای بینا رشته‌ای بیابند. " به طور مثال رویارویی و هم آوایی معماری با فلسفه زمینه ساز بازاندیشی در دانش معماری می‌شود و امکان ارایه مفاهیم نوین در رابطه با فضا، مکان و تجربه انسانی را فراهم می‌نماید " [۴]. این ارتباط تنگاتنگ مفاهیم و اندیشه‌های علوم انسانی با معماری منجر به خوانش‌های جدیدی شده و رد پای آن در شکل دهی معماری مشهود است که هم به صورت فصل مشترک بین معماری و سایر علوم انسانی و هم به عنوان رویکردی جدید در ادبیات پژوهشی معماری رخ می‌نماید.

آنچنان که رسانه‌های جدید، رایانه، شکل گیری دهکده جهانی و سرعت در انتقال اطلاعات؛ امکان گردآوری و بازخوانی‌های جدید و متنوع را نسبت به هر یک از پدیده‌های اجتماعی فراهم می‌سازد، تفسیر و معنا سازی برای هر پدیده اجتماعی مانند معماری در عصر رسانه از توجه ویژه‌ای برخوردار می‌گردد. با این وصف بررسی معماری از منظر علوم رسانه‌ای و تجزیه و تحلیل آن می‌تواند سر منشا شکل گیری اندیشه‌ها و فرضیات جدید در حوزه نظریه ورزی معماری، خلق مفهوم و طراحی گردد. یافت فصل مشترک رسانه و معماری و نحوه هم افزایی آنها متعاقباً می‌تواند بر افزایش بازدهی و کارکرد فایده آید و عدم توجه لازم به این فرآیند می‌تواند سبب بروز اشکالات در حوزه حرفه‌ای، اجتماعی و... معماری شود. از سوی دیگر از آنجاکه هر گونه شناخت نظری مستلزم مفهوم سازی است، تغییر یا تحول در شناخت مستلزم تغییر یا تحول در مفاهیم است. "مواجهه و تعامل با نظام مفاهیم به ویژه از منظر متامدرنیسم، دیدگاه های نوینی را در زمینه علم و تحقیق ایجاد میکند. این تعامل نه تنها فلسفه های جدید را در علوم مختلف به جریان می‌اندازد بلکه به گونه ای ساختارهای علمی را متحول میکند و راه های جدید برای درک و گسترش علم ارایه میدهد. " [۵]. در عصر رسانه‌ای حاضر ماهیت در حال تغییر شناخت و اندیشه معماری به تحولات مفهومی پی در پی می‌انجامد و تغییر در گستره معنایی مفاهیم پیشین را موجب می‌شود. مبتنی بر چنین نگرشی، مفاهیم معماری در عصر رقابت رسانه‌ای، پیوسته در حال دگرگونی است که این تحول مبتنی بر تغییرات فناوری است. " با پیشرفت فناوری و ظهور ابزارهای جدید، معماری نیز به طور مداوم دچار تحول گردیده و این تغییرات باعث دگرگونی های عمیق در مفاهیم و فلسفه های معماری می‌گردد " [۶]. این مقاله با توجه به خلا نظری در حوزه میان رشته‌ای رسانه و معماری معاصر و با هدف تولید دانش، به دنبال خلق مفهوم از هم افزایی آنهاست. به زعم دلوز و گواتاری فلسفه هنر ایجاد و خلق مفاهیم است. آنها معتقدند مفاهیم نه به صورت آماده و از پیش ساخته شده بلکه باید خلق شوند و این فرآیند از یک شخصیت فلسفی بیرون می‌آید. "خلق مفاهیم فرایندی است که شکلی از آینده، جهانی جدید و مردمی جدید را فرا می‌خواند که تاکنون نبودند" [۷]. نهایتاً پژوهش بر آنست تا با مطالعه سابقه حوزه نظری در حیطه رسانه و معماری، فرایندی برای تعریف شاه کلید ادغام و طرح مسئله میان این دو پدیده اجتماعی نماید تا با توجه به گسترش مرزهای دانش معماری و با کمک نظریه پردازی مبتنی بر بازاندیشی پارادایم (هستی شناسی، معرفت شناسی و روش شناسی) مفهومی از امتزاج رسانه با معماری خلق گردد که راهگشای تحقیقات و مدل‌های عملیاتی آتی در عصر رقابت انواع رسانه‌ها باشد. "حقیقی که در جهان وجود دارد ناقص و واقعیات نیز غیر مشترک است. جهان ساخته شده، نه اینکه کشف شده باشد" [۸].

مواد و روش ها

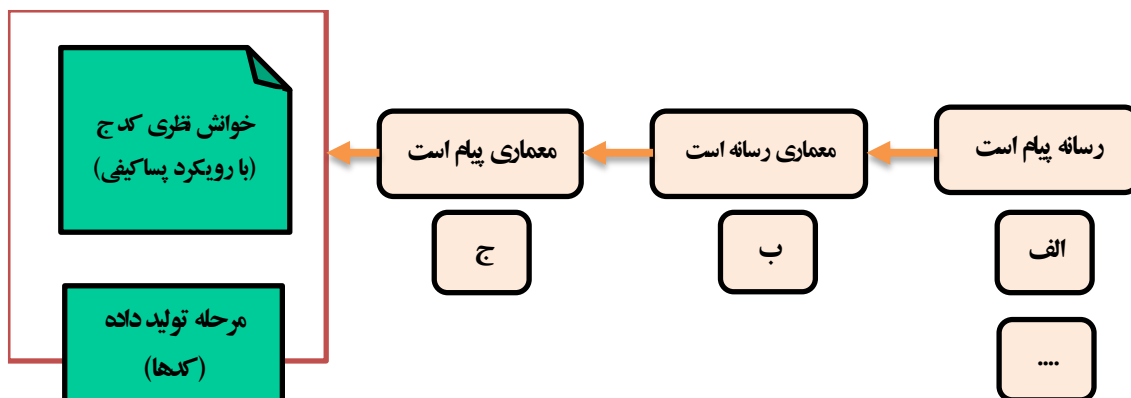
۱- روش شناسی

با توجه به ماهیت نوین پژوهش، بررسی‌های گوناگون در پارادایم‌های روش شناسی نشان داد روش پسا کیفی که رویکردی جدید در تحقیقات پسامدرن و در عرصه بین رشته‌ای است، ظرفیت‌های لازم برای پاسخ به نیازهای کنونی پژوهش را دارد. "بحران زیست محیطی، حرکت رو به جلوی علوم اعصاب، تفسیرهای فزاینده متلاشی از فیزیک پایه و نقض مداوم شکاف بین انسان و ماشین یک احساس رو به رشد است که فلسفه‌های قبلی قادر به مقابله با این حوادث نیستند" [۹].

مفهوم پسا کیفی در سال ۲۰۱۰ توسط الیزابت ای. استی پیر ابداع شد. "ایده اصلی واحد مفهومی پسا کیفی به چرخش مفهومی پسا یا پس از اشاره دارد. مفهوم پسا نشان از تلاش برای تجربه وضعیتی پس از موقعیت تاریخی اکنون است. در چرخش مفهومی پسا در زمان حال به دنبال چیری هستیم که در حال آمدن و شدن است و اینکه چگونه جرات می‌کنیم پژوهشگر به مثابه فاعل مستقل را از میدان پژوهش حذف کنیم" [۱۰]. روش پسا کیفی در پی رد کردن روش کیفی نیست بلکه رویکردی است تا با تجدید موقعیت هستی شناسی، مطالعات فرهنگی را آماده تولید دانش برای دستیابی به آینده کند. نظر به افق رو به رشد توسعه رسانه‌ها در زندگی بشر و متعاقباً تأثیرات همه جانبه بر انسان و محیط انسان ساخت، لزوم انتخاب رویکردهای مناسب در پاسخگویی به نیاز آینده در تولید دانش و پیش بینی فرآیند ضروری است. "روش پسا کیفی مبتنی بر خلق مفاهیم برآمده از میدان پژوهش است و میدان پژوهش درصدد باز کردن دروازه‌های خود به سوی ایده‌های جدید است تا با هر تغییر جدید حرکت کند" [۱۱]. روش پسا کیفی برآمده از چرخش نظام هستی شناسی و معرفت شناسی در نیمه دوم قرن بیستم است که با ادراکی برخوردار از فیزیک کوانتومی در پارادایم ماده گرایی نوین، جهان هستی را درون جریانی از نیروهای مختلف و دارای تأثیر متقابل می‌انگارد و هستی شناسی استعلایی جهان را بین فیزیک - متافیزیک، ذهن - بدن و سوژه - ابژه تقسیم نمی‌کند بلکه هستی یک «درون جریان» است. که هیچ چیز خارج از میدان روابط وجود ندارد و درین میدان کوانتومی، نسبت شدت بین نیروها اهمیت دارد.

سه بخش اصلی میدان پژوهش پسا کیفی: ۱. جمع آوری داده‌ها ۲. تحلیل داده‌ها و ۳. گزارش پژوهش به گونه‌ای ترتیب داده می‌شود تا بتوانند با نیروهای تشکیل دهنده پدیده در هم تنیده شود. مفهوم سازی ناگزیر از ساده سازی و انتزاع است فلذا داده‌ها در تعریف این نظام دانایی، نظریات تاریخی حوزه رسانه هستند که به مثابه داده و به شیوه **نظریه پذیرفته شده در پژوهش** در بستر معماری ملهم از شیوه پیرس، قیاس و استقرا شده و سپس با رویکرد پسا کیفی نظریات جدید از آنها خلق مفهوم خواهند شد (نمودار ۱). نظریه به مثابه داده، رویکرد متفاوتی در شیوه پسا کیفی در میدان پژوهش دارد. بطور معمول در نوشتن نظریه، ایده‌های نظریه پرداز شرح داده می‌شوند اما در روش پسا کیفی، مفاهیمی از نظریات که امکان خلق ایده‌های جدید را دارند به کار گرفته می‌شوند. بنابراین مفاهیم درون نظریه تشریح گردیده و از مفاهیم نظریه‌های دیگر که ظرفیت برقراری پیوند را دارند بهره گرفته می‌شود. این روش رونویسی یا بازتوصیف از نظریات نیست بلکه مفهوم پردازی است و پردازش و خلق مفاهیم مبتنی بر خوانش نظری است. آنگاه از ترکیب ایده‌های نظری در میدان پژوهش در هم تنیدگی مفهومی رخ می‌دهد. در نتیجه گام اساسی در این روش تولید داده‌هاست.

نمودار ۱: مثالی از مرحله تولید داده



۲- تعریف مفاهیم نظری

نظریه پذیرفته شده در پژوهش

وفق یافتن حلقه آغازین مبحث با توجه به مطالعات صورت گرفته و تعاریف موجود، نظریه‌ی **معماری به مثابه یک رسانه مورد قبول و مبنای روند پژوهش است**. امبرتو اکو، نشانه شناس ایتالیایی، معماری را موردی خاص میدانند که به نظر می‌رسد در حالت اولیه و ابتدایی خود کاملاً کاربردی باشد و نقش ارتباطی نداشته باشد. با این وجود او معتقد است که معماری شبیه به یک وسیله‌ی ارتباط جمعی عمل می‌کند [۱۲].

"انسان میتواند به درک مناسبی از رابطه‌ی خود با معماری محیط اطرافش برسد چرا که با مشاهده‌ی آن سرنخ‌ها و نشانه‌هایی را دریافت کرده و سعی می‌کند با اطلاعات و خاطرات خود به آن نظم ببخشد و کل محیط را فرمول بندی نمایند. بنابراین انسان قادر به ایجاد ارتباط با محیطی است که در آن زندگی می‌کند و محیط اطرافش نیز قادر است به عنوان واسطه، به تبادل اطلاعات با او بپردازد" [۱۳]. معماری چه به عنوان مأوایی برای بقای بشر و چه فراتر از آن در قالب یک رسانه به واسطه کالبد خود کدهای نمادین از ارزش‌ها، ویژگی‌ها و اندیشه‌های جامعه را با افراد و مخاطبانش به اشتراک می‌گذارد. "معماری به عنوان یک ابزار ارتباطاتی مشابه سایر رسانه‌ها، در برگرفته گفت و گویی است که میان ایدئولوژی‌های گذشته و نیازهای معاصر پل می‌زند. این فرآیند بستری را برای ادغام روایت‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی با فضاهای مدرن ایجاد میکند و نقش مهمی در تداوم هویت‌های اجتماعی و تاریخی ایفا مینماید." [۱۴].

معماری به عنوان یک فرآیند دلالتی در بستر فرهنگی اش قابل ادراک و واجد معنا است. "معماری نیاز انسان به یافتن معنا، رشد و شکوفایی را تامین می‌نماید به عنوان یک واسطه، درک فضایی و تعامل انسان با محیط پیرامون را تسهیل می‌نماید. یافتن معنای معماری از راه تجربه و ادراک آن به وجود می‌آید" [۱۵]. اثر معماری را میتوان به مثابه یک متن تلقی نمود که حاوی معناست. معماری به عنوان مخزن حاطه جمعی و واسطه ای برای انتقال ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی بین نسل‌ها عمل میکند. درین راستا معماری همانند یک متن، ایدئولوژی‌ها و سنت‌های زمانه خود را به نمایش می‌گذارد و انتقال میدهد "معماری به عنوان یک متن ارزش‌ها، ایده‌ها و سنت‌های فرهنگی را منتقل مینماید. این متن نه تنها گذشته را بازگو میکند بلکه راه‌هایی برای تعامل معنادار با آن فراهم میسازد، به گونه ای که روابط میان گذشته و حال تقویت شوند و یک تجربه انسانی فراگیر و مداوم ایجاد شود" [۱۶]. در حقیقت معماری رسانه‌ای است که مجموعه‌ای از پیام‌ها و نشانه‌ها را به منظور برقراری ارتباط بین مخاطبانش در معرض آنها می‌گذارد. به عنوان مثال ساختمان AT&T جانسون (شکل ۱) به عنوان نمادی از پست مدرنیسم، با بازتعریف فرم‌های کلاسیک و استفاده از زبان استعاری، معماری را تبدیل به رسانه‌ای کرد که نه تنها محیطی فیزیکی، بلکه پیامی فرهنگی و تاریخی

را به مردم منتقل میکند. ارجاع تاریخی و استفاده از فرم های آشنا باعث شد این ساختمان برای عموم مردم قابل فهم باشد و در عین حال در میان گفتمان معماری مدرن جنجال ایجاد کند فلذا به یک رویداد رسانه‌ای تبدیل شد. (شکل ۲)

شکل ۱: ورودی ساختمان AT&T از فیلیپ جانسون که تبدیل به رسانه‌ای در شهر برای آغاز ورود به عرصه پسامدرن شد. [17]



شکل ۲: نمای ساختمان AT&T از فیلیپ جانسون [17]



رسانه

در عصر آنترپوسین، رسانه‌ها نه تنها انتقال دهنده اطلاعات هستند بلکه در تعریف، تولید و مشروعیت بخشی به دانش نیز نقش اساسی ایفا می‌نمایند. رسانه‌ها به عنوان عناصر بنیادین پست مدرنیسم، پارادایم‌های سنتی و دانش را متحول می‌سازند و زمینه‌ای برای درک جدید از واقعیت فراهم می‌نمایند" [۱۸]. مفهوم هویت در پست مدرنیسم از طریق تعامل با رسانه‌ها بازتعریف می‌شود به گونه‌ای که رسانه‌ها ابزاری برای بازنمایی و تغییر ساختارهای اجتماعی فراهم می‌آورند. "رسانه‌ها نه تنها بازتاب دهنده فرهنگ‌ها هستند بلکه با ایجاد فضاهای جدید برای تعاملات اجتماعی، مرزهای زمان و مکان را در دوران پست مدرن می‌شکنند در حقیقت رسانه‌های نوین مرزهای واقعیت و مجازی را محو کرده و تعاملات اجتماعی را بازتعریف می‌کنند. ارگانیسم اطلاعاتی، جایی است که افراد به طور عمیق با محیط دیجیتالی خود درهم‌تنیده هستند. این ارتباط عمیق باعث تغییر در هنجارهای فرهنگی و بازسازی شیوه‌های ارتباطی شده است" [۱۹]. رسانه در معنای وسیله‌ای ارتباط جمعی یکی از ارکان مهم کلیدی و عامل رشد دهنده‌ی پست مدرنیسم بیان شده است. "هنر پست مدرن و معماری متأثر از دهکده جهانی و احساس بی‌نظیر جهانی شدن است که در آن رسانه‌های جمعی و بین‌المللی مرزها را از میان برداشته‌اند" [۲۰]. تغییرات و جنبش‌های پس از سال ۱۹۶۰ (عصر آنترپوسین) و در نتیجه گذار

تفکرات پست مدرن از مرزهای ملی ناشی از تلاش و فشار رسانه‌ها است که مهم‌ترین نقش را در گسترش این تفکر داشته‌اند. رسانه معرف جامعه‌ی پسا صنعتی است.

"نظریات در رسانه، ابزارهایی را برای تحلیل جنبه‌های گوناگون فعالیت انسانی ارائه می‌دهند و از طریق تنوع در روش‌شناسی و دیدگاه‌های فرهنگی، دیدگاه‌های جدیدی را در تحقیقات علمی ایجاد می‌کنند. چنین نظریاتی نه تنها به توضیح پیچیدگی‌های رسانه‌ها کمک می‌کنند بلکه نقش میانجی در ارتباط بین رشته‌های مختلف علمی دارند" [۲۱].

فلذا برای بررسی دقیق‌تر حوزه نظری رسانه و با توجه به رویکرد تحقیق که در آن به شیوه پساکیفی، نظریات به مثابه داده‌های مورد تحلیل انتخاب و گزارشی تحلیلی از پس کاوی جانشینی آنها در نظریه مورد قبول در پژوهش (معماری به مثابه رسانه) اخذ می‌شود، شاخص‌ترین و مطرح‌ترین نظریات تاریخی جهان در حوزه رسانه‌ها که در عصر آنتروپوسین مطرح یا دنبال شده‌اند به صورت تیتروار گردآوری و جدول‌بندی شده است. پس کاوی نظریات حوزه رسانه در نظریه پایه (معماری به مثابه رسانه) می‌تواند نظامی از دانایی را شکل دهد که در ادامه با ذکر مثال مفهوم آن واکاوی می‌گردد. (جدول ۱).

جدول ۱: نظریات تاریخی در عرصه رسانه در عصر آنتروپوسین

نظریه پردازان و نظریات مطرح	چهارچوب نظری
هارولد اینیس: سوگیری ارتباطات (۱۹۲۷) - مارشال مک لوهان: رسانه، پیام است (۱۹۶۴) - والتر بنیامین: هنر و بازتولید مکانیکی (۱۹۳۶) - جان تامپسون: رسانه و مدرنیته (۱۹۹۵) - یورگن هابرماس: رسانه و حوزه عمومی (۱۹۶۲) - فردیناند تونیس: گمین شافت و گزل شافت (۱۸۸۷) - آ. آر. لیویس: تمدن توده وار (۱۹۲۷) - ریچارد هوگارت: فرهنگ توده وار (۱۹۵۷) - ریموند ویلیامز: فناوری و شکل فرهنگ (۱۹۷۴)	۱- نظریه ارتباطات و تحول تاریخی: رسانه و مدرنیته
نظریه کارکرد پیام‌های ارتباطی (۱۹۴۰) - نظریه تأثیر پیام‌های ارتباطی (۱۹۵۰) - نظریه تزریقی (۱۹۳۰) - نظریه استحکام یا تأثیر محدود (۱۹۸۴) - نظریه یادگیری اجتماعی و جامعه پذیری (۱۹۷۷) - نظریه برجسته سازی (۱۹۷۲) - نظریه ماریپیچ سکوت (۱۹۷۴) - نظریه کاشت (۱۹۷۶) - نظریه شکاف آگاهی (۱۹۷۰) - نظریه استفاده و رضامندی (۱۹۴۴) - نظریه وابستگی مخاطبان (۱۹۷۶) - نظریه ساخت اجتماعی واقعیت (۱۹۶۶) - نظریه چارچوب سازی (۱۹۸۴)	۲- نظریه اجتماعی - رفتاری کارکردها و آثار پیام‌های ارتباطی
نظریه مطبوعات آزاد (۱۹۹۰) - نظریه مسئولیت اجتماعی (۱۹۴۷) - نظریه رسانه‌های شوروی (۱۴۷۰) - نظریه رسانه‌های توسعه بخش (۱۹۶۰) - نظریه رسانه‌های دموکراتیک - مشارکت کننده (۱۹۷۰)	۳- نظریه هنجاری رسانه
فردینان دو سوسور و رولان بارت: زبان و اسطوره (۱۹۱۶) - ژاک لاکان: زبان و سوژه (۱۹۶۰) - لویی آلتوسر: ایدئولوژی و سوژه (۱۹۵۵) - گروه رسانه‌ای گلاسکو: ایدئولوژی خبر (۱۹۷۰) - جودیت ویلیامسون: ایدئولوژی آگهی (۱۹۷۸) - میشل فوکو: گفت‌وگو و جامعه نظارتی (۱۹۷۰)	۴- نظریه ساختارگرایی و نشانه شناسی
اروینگ گافمن: معرفی خود (۱۹۵۹) - جاشوا میروویتز: بدون حس مکان (۱۹۸۶) - دونالد هورتون و ریچارد وهل: شخصیت‌های رسانه‌ای و تعامل فرا اجتماعی (۱۹۵۶) - جان تامپسون: شبه تعامل رسانه‌ای شده (۱۹۹۵) - هوارد بکر و استانی کوهن: برچسب زنی و هراس اخلاقی (۱۹۶۳) - آنتونی گیدنز: ساخت یابی (۱۹۸۴)	۵- نظریه تعامل گرایی و ساخت‌یابی
فمینیسم لیبرال، سوسیالیستی و رادیکال (۱۹۳۰) - لورا مالوی: نگاه خیره مردانه (۱۹۷۵) - تانیا مودلسکی و جانیس رادوی: خیال پردازیهای تولید شده جمعی به وسیله زنان (۱۹۸۷) - آنجلا مک	۶- نظریه فمینیستی رسانه: رسانه و جنسیت

رای: ایدئولوژی زنانگی جوان (۱۹۸۰) - آین انگ: لذت و ایدئولوژی فرهنگ توده (۱۹۹۰) - جودیت باتلر: آشفتگی جنسیت (۱۹۹۰) - پست فمینیسم و موج سوم (۱۹۹۰) - مردانگی در بحران (۲۰۰۰)	
نظریه اقتصاد سیاسی رسانه (۱۹۸۰) - ادوارد هرمان و نوآم چامسکی: تولید رضایت (۱۹۸۸) - هربرت شیلر: اطلاعات و سرمایه داری (۱۹۷۶) - تئودور آدورنو و ماکس هورکهایمر: صنعت فرهنگ و فرهنگ توده (۱۹۴۴) - مطالعات پسااستعماری (۱۹۷۸) - ارتباطات و امپریالیسم فرهنگی: سلطه غرب بر شرق (۱۹۷۰) - ادوارد سعید: گفتمان شرق شناسی (۱۹۷۸)	۷- نظریه اقتصاد سیاسی، صنعت فرهنگ و مطالعات پسااستعماری
استوارت هال: رمزگذاری / رمزگشایی و نظریه دریافت (۱۹۸۰) - دیوید مورلی: مخاطبان نیشن واید (۱۹۸۰) - رسانه‌ها و زندگی روزمره (۱۹۸۰) - مصرف گرایی و زندگی روزمره: نظریه مصرف (۱۹۸۹) - جان فیسک: مقاومت مصرف کننده (۱۹۸۹) - میشل دوسرتو تاکتیک‌های روزمره (۱۹۸۴) - هنری جنکینز: یغماگران متن و هواخواهی (۱۹۹۲) - راجر سیلورستون: چرخه مصرف و تجربه رسانه‌ای شده (۱۹۹۰) - نیکولاس آبر کرامبی و بریان لانگهرست: مخاطبان پراکنده و اقتدار مصرف کننده (۱۹۹۰) - پیر بوردیو: نظریه منش و میدان (۱۹۷۹)	۸- نظریه مخاطب: مطالعات فرهنگی و مخاطبان فعال
ژان بودریار فراواقعیت و وانمایی (۱۹۸۰) - دانیل بورشتاین و گی: دبور تصویر و نمایش (۱۹۶۱) فردریک جیمسون: التقاط و بینامتنیت (۱۹۹۱) ژان فرانسوا لیوتار: افول فراروایت‌ها (۱۹۷۹) جرج ریتزر: مک دونالدی شدن (۱۹۹۳) اسکات لش: تمایززدایی (۱۹۹۰)	۹- نظریه پست مدرنیسم و ارتباطات رسانه، تصویر و وانمایی
مانوویچ: مضامین اصلی نظریه رسانه‌های جدید (۱۹۹۰) - انقلاب ارتباطات، همگرایی و تعامل (۲۰۰۰) - عصر دوم رسانه‌ها (۱۹۹۰) - کاستلز: جامعه اطلاعاتی (۱۹۸۰) - کاستلز: جامعه شبکه‌ای (۱۹۹۰) - کاستلز: از جامعه توده‌ای به جامعه شبکه‌ای (۱۹۹۰)	۱۰- نظریه رسانه‌های جدید

اپیستمه

میشل فوکو با اتکا به واژه یونانی اپیستمه نخستین بار در کتاب نظم اشیا به ساختارهای منظم ناخودآگاهی اشاره میکند که نهفته در پس اندیشه‌ها و کردارها، مقدمه تولید دانش علمی در یک عصر خاص می‌باشند. وی این واژه ابداعی را اینگونه تعریف می‌کند: "دانش در چارچوب قواعد اپیستمه شکل می‌گیرد و مفاهیم، نظریه‌ها و رشته‌ها سازمان یافته و تعریف می‌شوند" [۲۲]. اپیستمه، صورتی از دانش یا عقلانیت نیست بلکه مجموعه‌ی روابطی است که در یک عصر خاص می‌توان میان علوم یافت. بنابراین اپیستمه مجموعه‌ای از فرضیه‌های بنیادین یک جامعه در یک دوره‌ی زمانی خاص است که ناخودآگاه معرفت‌شناختی افراد آن جامعه را شکل داده و رژیم‌ی از حقیقت‌ها را عرضه می‌کند که نظم گفتمان‌ها و کردار افراد را در موضوعات و حوزه‌های مختلف چون معماری و رسانه صورت می‌دهد و معنا می‌بخشد. "اپیستمه نوعی دانش نظام‌مند تعریف شده که بر شناسایی و تنظیم اصول علمی و فلسفی تمرکز دارد. این تعریف به نقش اپیستمه در ارزیابی معیارهای عقلانیت و حقیقت می‌پردازد" [۲۳]. در حقیقت در مقاطع مختلف تاریخی سامانی از دانایی (اپیستمه) حاکم است که فرهنگی گفتمانی، حاکم بر جامعه در پس آن وجود دارد و دلیلی برای پیگیری این سامان در دوره‌های دیگر نیست. فلذا از منظر فوکو هر عصری ویژگی‌های خود را دارد به همین سبب برای بیان دوره‌های تاریخی از نظر دانایی ازین مفهوم بهره می‌جوید. فلذا اپیستمه منظومه‌ای است از حاکمیت مناسبات و گزاره‌های مفهومی دریک عصر خاص که دانش‌ها از بطن آن رشد می‌کنند. بدین تعبیر اپیستمه نماد روح زمانه است. "این مفهوم در چارچوب معرفت‌شناسی اجتماعی بررسی شده و نشان داده شده که اپیستمه پایه‌ای برای اعتماد، شواهد، و ارزش‌های معرفتی در جوامع مختلف است. همچنین این نقش در علوم اجتماعی و فلسفه به‌عنوان یک الگو برای درک ماهیت و مرزهای دانش مطرح شده است" [۲۴]. در حقیقت اپیستمه به عنوان سپهر معرفتی، علوم موجود در یک زمانه را چنان پیوند می‌دهد که گویی آنها علی‌رغم تعلق به حوزه‌های متفاوت، سخن واحدی را تکرار می‌کنند و تصویر واحدی را در آینه‌ی خویش باز می‌تابانند. فلذا در بسط و بازخوانی این مفهوم در محتوای پژوهش تبیین چند مشخصه ضروری است: اولاً علمی که در خصوص فرضیات و گزاره‌های آنها بحث می‌شود ثانیاً تشخیص عصر زمانی و ثالثاً مدل ارتباطی که این علوم با یکدیگر دارند.

عصر آنتروپسین

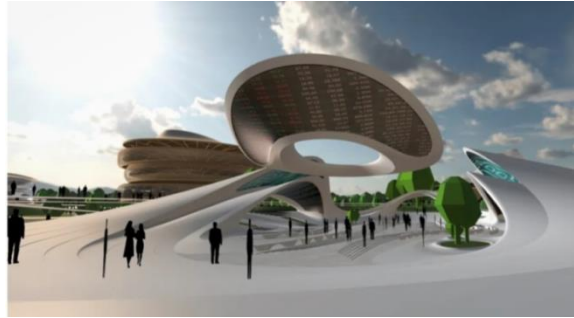
عصر آنتروپوسین پیشوند اسمش را از انسان وام می‌گیرد و دوره‌ای است که بشر آغاز به بهره‌گیری انبوه از سوخت‌های فسیلی کرده است و فعالیت‌های صنعتی و اقتصادی، به طور موثر و چشمگیری وضعیت اقلیمی و زیستی سیاره را تغییر داده است. در این دوره جمعیت زمین از کمتر از یک میلیارد نفر به بیش از ۷ میلیارد نفر رسیده است. مصرف مواد اولیه افزایش بسیار شتابناکی داشته است. فناوری‌های بسیاری پا به عرصه وجود گذاشته اند و رسانه‌های عصر دوم و سوم به زندگی بشر ورود کرده آن را تحت تاثیر بسیار قرار دادند، بنگاه‌های اقتصادی از شکل محلی خود خارج شده‌اند و به صورت شرکت‌های بزرگ چند ملیتی نظام اقتصادی جهان را دگرگون کرده‌اند. درین دوره نفوذ و تاثیر انسان به صورت نمایی افزایش یافت. این مرحله نه تنها شامل تغییرات سریع زمین شناختی است بلکه به معیارهای اجتماعی، اقتصادی و فرآیندهای بیوفیزیکی پسامدرن هم اشاره دارد. اختلاف نظرهای فراوانی در خصوص تاریخ دقیق شروع این عصر وجود دارد. "اما در سال ۲۰۱۹ کارگروه ویژه‌ای با ایده شروع آنتروپوسین از سال ۱۹۶۴ موافقت کرد. مقطع مورد نظر آنها درست مربوط به بازه‌ای از تاریخ بشر است که در آن جمعیت انسانی، فعالیت‌های اقتصادی و انتشار گازهای گلخانه‌ای در سرتاسر جهان شروع به افزایش سرسام‌آور کرده و آثار محسوسی از خود بر جای گذاشتند. اثراتی از جمله ایزوتوپ‌های پلوتونیوم ناشی از انفجارهای هسته‌ای، نیتروژن حاصل از کودها و خاکسترهای حاصل از نیروگاه‌ها. و بالا طبع سایر تغییرات فناوری و بنگاه‌های اقتصادی و..." [۲۵]. عصر مورد نظر، بازه زمانی در جستار نظریات تاریخی حوزه رسانه است که تا به زمان اکنون ادامه داشته و برای تشخیص عصر زمانی در تبیین مفهوم ایپستمه فوکویی مد نظر پژوهش است.

امتزاج رسانه و معماری

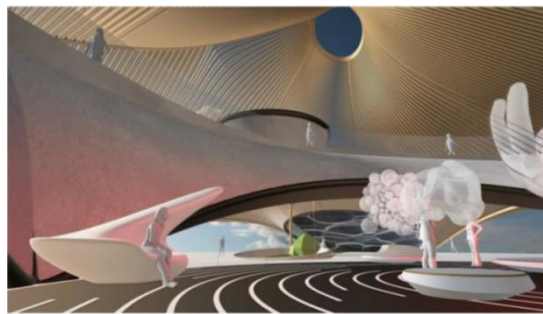
امتزاج در فرهنگ عمید به معنی ترکیب شدن چیزی با چیز دیگر است. در شیمی با ترکیب شدن دو یا چند جسم با یکدیگر به طوری که جسم ترکیب شده شبیه هیچ‌یک از اجسام تشکیل دهنده خود نباشد و جدا کردن جسم‌های آمیخته شده ممکن نباشد، معنی می‌یابد. در فلسفه و علم تاویل متون ازین واژه، گادامر در تبیین اندیشه امتزاج افق‌ها بسیار بهره می‌برد. به زعم گادامر آنچه در هر عمل فهم یعنی آنچه در هر مواجهه با جهان رخ می‌دهد، رخدادی از جنس امتزاج است. برای او یگانه رابطه اصیل ممکن بین دو امر امتزاج آنها با یکدیگر است. امتزاج نیز رابطه‌ای است که در آن هر یک از طرفین از خود به در می‌آید و به سوی دیگری رهسپار می‌شود که هر چند غیر از خود اوست اما امکان نهایی خود اوست. آنچه گادامر در مفهوم امتزاج برجسته و غنی می‌یابد، انکار ارتباطی بین دو امر است که در ضمن آن یکی از آن دو ذیل دیگری در می‌آید "فهم یک متن نه تنها تعامل میان فرد و متن است، بلکه نوعی گفت‌وگو بین افق‌های تاریخی متفاوت است که از طریق آن فهم به یک فرایند دینامیک تبدیل می‌شود. این امر بیانگر تأثیر متقابل بین زمان حال و گذشته است" [۲۶]. از سویی مطابق آنچه در تعریف مفهوم ایپستمه به ادبیات فوکو رفت، سخن از نوعی ارتباط است که علیرغم تعلق دو علم چون رسانه و معماری به حوزه‌های خود، در ارتباط با افق دیگری چونان ممزوج میگردند که گویی سخن واحدی را می‌رانند و در آینه خویش یکدیگر را می‌تابانند. بنظر می‌رسد در تشریح این مدل ارتباطی میتوان از مدل امتزاج گادامر بهره جست. نکته دیگر اینکه امتزاج فقط تنها زمانی امکان پذیر است که دو امر ممزوج همچنان اتمام نیافته و فرآیندی زنده را طی میکنند و متقابلاً پرتویی بر فهم یکدیگر می‌افکنند. در عصر رقابت رسانه ای حاضر یعنی آنتروپوسین دو دانش رسانه و معماری نه تنها پایانی بر آنها مترتب نیست بلکه با روندی تصاعدی به سوی آینده در حال حرکتند. همچنین مهمترین جنبه امتزاج آنست که در هر رابطه اصیلی مثل فهم، تنش میان دو امر از بین نرفتنی و هر دو امر در حال بسط و خروج از یکدیگرند و این بسط و خروج را پایان ناپذیر است "فهم همیشه مشروط به تاریخ است، زیرا ما به‌عنوان مفسرین، در افقی تاریخی قرار داریم که بر درک ما تأثیر می‌گذارد. با این حال، فرایند فهم به واسطه تعامل میان افق‌ها، امکان گسترش و تغییر را فراهم می‌کند. این تعامل، فضای گفت‌وگویی برای معنا فراهم می‌کند که در آن هیچ افقی به‌تنهایی حاکم نیست" [۲۷].

برای ملموس تر کردن مدل ارتباطی رسانه و معماری در عصر آنتروپوسین میتوان به مثالی از طراحی معماران مطرح جهان چون دفتر زاها حدید برای عرصه نوین رسانه ها چون فضای متاورس نام برد. حضور مجازی درین فضاها ادراکی نوین از مضامین زمان و مکان در عصر آنتروپوسین به کاربر میدهد که آن را صرفاً نمیتوان معماری یا رسانه نامید بلکه نوعی امتزاج به فهم گادامر رخ میدهد که هر دو در حال بسط و خروجند. نظر به سرعت بالای روند این امتزاج، پرداخت‌های نظری درین حوزه ضروری بنظر میرسد.

شکل ۳: طراحی پلازای مرکزی برای فضای متاورس، طراحی دفتر زاها حدید، مثالی از امتزاج رسانه با معماری در عصر رسانه‌ای آنترپوسین. [۲۸]



شکل ۴: طراحی فضای نمایشگاهی برای فروش ان اف تی‌ها در فضای متاورس-طراحان دفتر زاها حدید ۲۰۲۲. [۲۸]



یافته ها

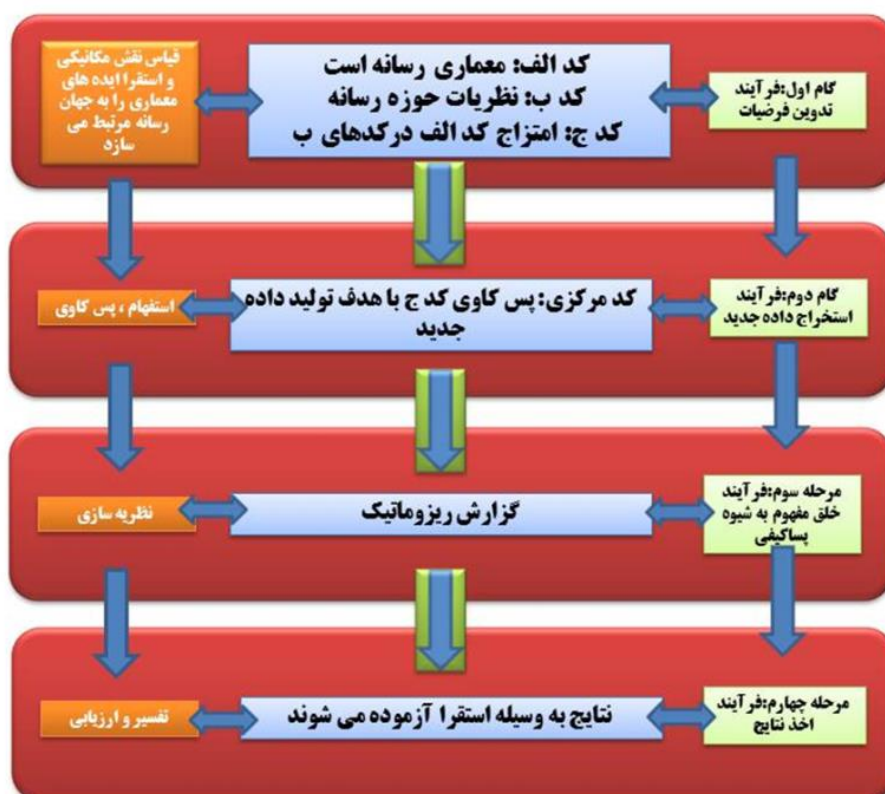
هدف اصلی مبحث، تحلیل و پردازش در حوزه رسانه‌ای خواهد بود. با هدف تبیین و پیش‌بینی نحوه ساز و کار رسانه معماری با سایر رسانه‌ها در عصر حاضر، فرایند با شیوه قیاس و استقرا آغاز گردیده تا شاه کلید شروع مبحث به دست آید. در رویکرد پسا کیفی نوآوری در تبیین سوال ماهیت نوع پژوهش را زیر سوال نمی‌برد. فلذا پژوهش حاضر با ساختاری درختی از قیاس و استقرا آغاز می‌شود. پس از بررسی مدل‌های گوناگون روش شناسی از مدل پیرس که در پارادایم نوپراگماتیسم و در روش‌های ترکیبی استفاده می‌شود بهره گرفته شد. نظریه‌های حوزه رسانه از سال ۱۹۶۴ یعنی شروع عصر آنترپوسین از سویی و همچنین نظریات حوزه معماری به مثابه داده مورد تحلیل در این پژوهش، به شیوه قیاسی و استقرایی نتایج اولیه را اخذ می‌کنند. (نمودار ۲)

داده‌ها متناسب با اندیشه پژوهشگر و متناسب با بستر پسا کیفی و به کارگیری خلاقیت محقق انتخاب شده است. پیرس تحقیق علمی را مستلزم قیاس، استقرا و پس کاوی میدانند که در آن قیاس نقش مکانیکی، استقرا ارتباط ایده‌ها به جهان طبیعی یا اجتماعی و سرانجام پس کاوی مهمترین گام در تحقیق را بر می‌دارد. فلذا با جایگذاری داده‌ی معماری به مثابه رسانه در نظریات تاریخی رسانه، گزاره‌های قیاسی خلق می‌شوند و استقرا ارتباط بستر معماری با دنیای رسانه را می‌سازد. اما مطابق نگاه پیرس " استقرا و قیاس به دلیل ماهیت خود قادر به تولید ایده‌های جدید نیستند و تنها فرایند استنتاجی که می‌تواند به کشف ایده‌های نو کمک کند، پس کاوی یا استنتاج به بهترین تبیین است. این دیدگاه پیرس بیانگر نقش منحصربه‌فرد پس کاوی در فرایند خلاقانه تفکر و نظریه‌پردازی است [۲۹]. از نظر پیرس، تفاوت اصلی بین استقرا و پس کاوی آن است که " استدلال پس کاوی نه صرفاً یک فرایند قیاسی یا استقرایی است، بلکه به‌عنوان روشی برای تولید فرضیه‌ها تمایز می‌یابد. پیرس استدلال می‌کند که پس کاوی نیازمند یک جهش خلاقانه است که در آن فرد یک توضیح احتمالی برای پدیده‌ی مشاهده‌شده ارائه می‌دهد. در مقابل، استقرا به آزمایش و تعمیم فرضیه‌ها از طریق جمع‌آوری شواهد پشتیبان می‌پردازد. بنابراین، در حالی که استقرا به دنبال تأیید است، پس کاوی فرایند کشف را با

پرداختن به این سؤال که چرا یک واقعیت خاص ممکن است صحیح باشد، آغاز می‌کند [۳۰]. فلذا پس از سپری کردن دو گام اول و دوم قیاس و استقرا در نقش مکانیکی و ارتباط دو بستر معماری و رسانه، مفاهیمی اولیه اخذ می‌شوند. (ستون سوم در جدول ۲) که ادراکات مفهومی آن مستلزم، فرآیند پس‌کاوی است و درینجا پژوهش وارد گام سوم پیرس می‌شود. "استدلال پس‌کاوی، همان‌گونه که پیرس آن را مطرح می‌کند، صرفاً یک عملیات منطقی نیست، بلکه شامل جهشی غریزی و تخیلی است که انسان‌ها را قادر می‌سازد فرضیه‌هایی درباره‌ی ناشناخته‌ها ایجاد کنند. این غریزه‌ی شناختی برای کشف‌های علمی حیاتی است و نمایانگر تعامل منحصربه‌فردی میان منطق و خلاقیت در نظریه‌پردازی است." [۳۱]. جمله پایانی پیرس در نیافتن پاسخ چگونگی حل مسئله در نظریه‌ورزی، در رویکرد پسا‌کیفی و با نگاه نقش خلاقانه پژوهشگر در این رویکرد قابل پاسخ دهی است. درین جا تحلیل داده‌ها بستر در هم تنیدگی نظریات برای خلق مفاهیم نوین است. داده‌ها (درین پژوهش نظریات حوزه رسانه و معماری) به واسطه مفاهیمی که بین آنها ایجاد می‌شود به هم کوک می‌خورند. آنچه درین رویکرد مهم است تغییر نقش پژوهشگر می‌باشد. "پژوهشگر دیگر سوژه دکارتی نیست که متن را به حرکت درآورد بلکه او نیاز دارد که از داده‌ها تاثیر بگیرد و امکان فکر کردن برای او بوجود آید. رسیدن پژوهشگر به مقام سوژه دانای کل در پژوهش پساکیفی، دیگر اساسی برای تولید دانش نیست" [۳۲]. نتایج پژوهش دستاوردهای موجود در ادبیات موضوع [۳۳-۵۰] را تایید می‌نماید که این مهم نشان از روایی و پایایی پژوهش است. از این پس مطابق با نوع نگاه داده‌های پژوهش در این دو حوزه به مثابه یک ریزوم مرتبط می‌شوند و نتایج با خلاقیت پژوهشگر در نظریه‌ورزی تبیین و یا پیش‌بینی خواهند شد.

به طور مثال نظریه شاخص مک لوهان می‌گوید رسانه پیام است (ستون اول جدول ۲) با توجه به فرض حتمی معماری به مثابه رسانه (ستون دوم جدول ۲)، در این گزاره نتیجه اولیه این خواهد بود که معماری پیام است (ستون سوم جدول ۲). اما تفسیر مفهوم گزارش مک لوهان در بستر رسانه‌ها و همین‌طور تفسیر استقرای جدید یعنی معماری پیام است، مستلزم ادراکات مفهومی درین گزاره و در میدان پژوهشی پساکیفیست که در آن پژوهشگر به عنوان بخشی تنیده در تحقیق، گزاره را با نسبت و روایت جدید تبدیل به داده‌ای جدید خواهد کرد و از آن مفاهیم و نظریات جدیدی اتخاذ می‌نماید (ستون چهارم جدول ۲). با تعمیم نظریه پذیرفته شده درین پژوهش یعنی معماری به مثابه رسانه در نظریات جدول ۱ به مجموعه‌ای از سلسله گزاره‌ها و ادراکات مفهومی خواهیم رسید که امکان تحقق اییستمه را در چهارچوب امتزاج رسانه و معماری میسر می‌سازد که برخی از موارد آن ذکر گردیده است (جدول ۲).

نمودار ۲: مثالی از مرحله تولید داده



جدول ۲: گزاره‌های حاصل از نظریه پذیرفته شده در پژوهش درحوزه رسانه و نتایج مفهومی به شیوه پساکیفی

نظریات تاریخی در حوزه رسانه [۲۳]	نظریه پذیرفته شده در پژوهش	تولید داده به شیوه پیرس	خلق مفهوم با رویکرد پساکیفی
مک لوهان: رسانه پیام است	معماری رسانه است	معماری پیام است	فرم معماری می تواند نتیجه پیامی باشد که معماری در پی انتقال آن به کاربر است Form Follows Message
والتر بنجامین: نظریه هنر و بازتولید مکانیکی - مرگ هاله هنری بر اثر تولید مکرر توسط رسانه ها و از بین رفتن قداست اثر هنری-هنر کارکردی اجتماعی یافت	معماری رسانه است	مرگ هاله هنری معماری بر اثر بازتولیدپذیری مکانیکی و امکان تصرف در آن	بسط مبانی نظری معماری تعاملی و تحقق بازتولید پذیری ادراکات مکانی معماری توسط عصر سوم رسانه ها چون متاورس.
یورگن هابرماس: حوزه عمومی رسانه تاثیرگذار تاریخی بوده است. همچون سالن ها در فرانسه. محافل ادبی آلمان. قهوه خانه ها در انگلستان	معماری رسانه است	معماری: رسانه تاثیرگذار تاریخی	خلق فضاهای جمعی و مشارکتی به مثابه رسانه، کارکرد اجتماعی و انتقادی موثر خواهد داشت.
میروویتز: رسانه های مدرن موجب تضعیف حس مکان شده اند و از اهمیت حضور فیزیکی در تجربه مردم و رویدادها کاسته است	معماری رسانه است	معماری در مفهوم عام یک رسانه سنتی از نسل اول رسانه هاست	معماری نیز چون سایر رسانه ها باید از مفهوم رسانه سنتی عبور کند و مفهوم رسانه نوین به خود بگیرد در غیر اینصورت سایر رسانه های مدرن با غلبه بر نیاز به حس مکان عینی بر رسانه سنتی معماری چیره میشوند و بسیاری از فضاهای معماری مثل مدارس، بانک ها و... از میان خواهند رفت.

بحث و نتیجه گیری

رجوع به اندیشه های فلسفی و تاریخی به عنوان محرک اندیشه و پشتیبان نظریه ورزی، سنتی پیشین و مستمر در تاریخ نظریه پردازی معماری بوده است و این امر تحول اندیشه های فلسفی را تبدیل به نیرویی موثر در تحول اندیشه های معماری کرده است. با این وصف بازخوانی مفهوم ایپستمه فوکویی در نظریه ورزی معماری معاصر امکان خوانش های مجدد مبتنی بر خلق مفاهیم را در حوزه های میان رشته ای از معماری و رسانه، که هر دو در بطن خود طیف گسترده ای از دانش های بشری را در بر می گیرند، فراهم می سازد. فلذا مطابق آنچه از یافته های تحلیلی در بازخوانی مفاهیم جدید رفت، از مجموعه چند حکم در کنار هم یک صورت بندی و شبکه دانایی مربوط به آن روال ها تشکیل می شود (جدول ۲).

که به آن ایپستمه گفته می شود. به تعبیر دیگر آرایش های گفتمانی و روابط فی مابین که برای تحلیل به سراغ آنها میرویم همان ایپستمه است. ایپستمه درین جا نه مجموع دانسته های این عصر بلکه مجموعه ای پیچیده ای از روابط میان دو دانش معماری و رسانه در عصر آنترپوسین و قوانینی است که از طریق آن دانش های جدید شکل می گیرند. با واکاوی مفهوم نوین میتوان مشابهت هایی یافت به نحوی که دو علم معماری و رسانه، به رغم اینکه با موضوعات مختلفی سرو کار دارند در سطح مفهومی و نظری واحدی فعالیت می کنند. به تعبیر دیگر مفهوم نوین رژیم از دانایی و معرفت است که درین مبحث رسانه و معماری را در عصر جهش رسانه ای معاصر یعنی آنترپوسین چونان در مدلی ارتباطی که گادامر آن را امتزاج می خواند مرتبط می سازد که گویی سخن واحدی را میرانند. مضافا رویکرد پساکیفی درین پژوهش به دنبال ترسیم نقشه ای ریزوماتیک از روابط حاضر در ایپستمه برای تولید دانش جدید به عنوان میراث معماری معاصر است. درین نگاه با نقد تقلیل واقعیت های اجتماعی و فرهنگی رسانه و معماری به ساختارهای

زبانی و معنایی، به دنبال میدان روابطی هستیم که امکان روایت‌های جدید و ایده‌های تازه را فراهم آورند. بدین معنا که ارتباطات در میدان پژوهش موجود همانند ریشه‌های گیاه شاخه شاخه شده و باهم در پیوندند (شکل ۵). در این راستا، نقد تقلیل‌گرایی و رویکردهای پساساختارگرایانه، راه را برای نگاه ریزوماتیک می‌گشاید؛ رویکردی که به جای خطوط مستقیم و قطعی، بر شاخه‌های ارتباطی پیچیده و چندلایه میان معماری و رسانه تأکید دارد. چنین نگاهی، نقشه‌ای از روابط بینارشته‌ای ارائه می‌دهد که در آن مفاهیم و ایده‌های جدید زاده می‌شوند. از سوی دیگر، نظریه‌پردازان معاصر ایرانی نظیر داراب‌دیا، سیمون ایوازیان، دکتر بمانیان، دکتر پورجعفر و... نیز بر اهمیت بازخوانی مفاهیم بومی در کنار چارچوب‌های جهانی تأکید دارند. در زمینه معماری و رسانه، این نظریه‌پردازان می‌توانند نقش کلیدی در ترجمه و بومی‌سازی این مفاهیم برای پاسخ به نیازهای جامعه ایران ایفا کنند. به ویژه، در شرایطی که ایران با چالش‌هایی همچون هویت‌یابی معماری در عصر رسانه و تکنولوژی روبروست، بازخوانی مفاهیم نظری چون ایپستمه، می‌تواند به خلق دانش‌های جدید بومی منجر شود که ضمن حفظ ریشه‌های فرهنگی، پاسخگوی تحولات جهانی نیز باشد.

پایان سخن اینکه آینده بر اساس دانش امروز ساخته می‌شود. با خلق مفاهیم نو امکان اندیشه‌های جدید برای ساخت آینده فراهم می‌گردد. آینده معماری و رسانه در ایران بر پایه‌ی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و تولید مفاهیم نو شکل خواهد گرفت. این مسیر، مستلزم گسترش تحقیقات پساکیفی است که امکان روایت‌های بدیل و نوآورانه را در بستر پیچیدگی‌های فرهنگی و اجتماعی فراهم آورد. بدین ترتیب، خلق مفاهیم جدید نه تنها افق‌های فکری را گسترش می‌دهد، بلکه ابزارهای لازم برای ساخت آینده‌ای پایدار و معنادار را نیز در اختیار می‌گذارد. این اندیشه‌های نوین نه تنها به عنوان میراثی نظری از معماری معاصر کلاسه بندی می‌شوند، بلکه با ایجاد بستری بنیادین و ساختارمند، ظرفیت لازم برای سایر بسترهای نظری در معماری چون نقد پساساختارگرایانه بر آثار معماری که درین عصر شکل خواهند گرفت را فراهم می‌کنند. نقدی که مبتنی بر ایپستمه دوران که در امتزاج با رسانه‌های نوین شکل گرفته است، نیازهای عصر کنونی را در نظر می‌گیرد. مضافاً هر یک از این گزاره‌های ایپستمه به تفصیل قابل واکاوی و تحلیل است که در بطن خود ادراکاتی عملیاتی در حوزه طراحی، بروز و ساخت ارایه خواهد داد که مستلزم پژوهش‌های متعاقب خواهد بود.

شکل ۵: مدل گزارش ایپستمه معماری در امتزاج با رسانه در عصر آنترپوسین

ایپستمه معماری در امتزاج با رسانه در عصر آنترپوسین



تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از رساله دکتری الهه فارغ با عنوان "تبیین مدل مفهومی ایستمه معماری در امتزاج با رسانه در عصر آنترپوسین" می‌باشد که به راهنمایی اول آقای دکتر سیامک پناهی و راهنمایی دوم خانم دکتر عترت لعل بخش و مشاوره آقای دکتر محمود رضایی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج در حال انجام است.

تاییدیه‌های اخلاقی

موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

تعارض منافع

موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان در مقاله

نویسنده اول الهه فارغ، تهیه متن اولیه، تهیه محتوای علمی تحقیق ۷۰٪، نویسنده دوم آقای دکتر سیامک پناهی، ایده پردازی و تهیه کانسپت پژوهش اولیه مقاله ۱۰٪، و راهنمای دوم خانم دکتر عترت لعل بخش کنترل ارجاعات، تحلیل ادبیات موضوع و کنترل تحلیل‌های پژوهش ۱۰٪ و مشاوره آقای دکتر محمود رضایی کنترل ارجاعات، تحلیل ادبیات موضوع و کنترل تحلیل‌های پژوهش ۱۰٪ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج در حال انجام است.

منابع مالی/حمایتها

موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

- [1]. Logan RK. McLuhan's philosophy of media ecology: An introduction. *Philosophies*. 2016; 1(2): 133–40. <https://doi.org/10.3390/philosophies1020133>
- [2]. Nesbitt K. *Theorizing a New Agenda for Architecture: An Anthology of Architectural Theory 1965–1995*. Princeton architectural press; 1996. <https://archive.org/details/theorizingnewage0000unse/page/n9/mode/2up>
- [3]. Wang M, Xie Y, Guo X, Fu H. Interdisciplinarity in the Built Environment: Measurement and Interdisciplinary Topic Identification. *Buildings*. 2024; 14(12): 3718. <https://doi.org/10.3390/buildings14123718>
- [4]. Keane J, Selinger E. Architecture and philosophy: Reflections on Arakawa and Gins. *FOOTPRINT*. 2008: 135–42. <https://doi.org/10.7480/footprint.2.2.691>
- [5]. Pipere A, Mārtinson K. Shaping an Image of Science in the 21st Century: The Perspective of Metamodernism. *Societies*. 2023; 13(12): 254. <https://doi.org/10.3390/soc13120254>
- [6]. Al-Rodhan N. Why Architects Need Philosophy to Guide the AI Design Revolution. *JSTOR Daily*. 2024. <https://daily.jstor.org/why-architects-need-philosophy-to-guide-the-ai-design-revolution/>
- [7]. Olkowski DE. Deleuze, Collaborations with Félix Guattari. In: Deleuze, Gilles (1925–95). In *The Routledge Encyclopedia of Philosophy*. 1998. <https://doi.org/10.4324/9780415249126-DE007-1>
- [8]. Parker S. *Reflective teaching in the postmodern world*. 1st ed. London: Routledge; 1997. <https://archive.org/details/reflectiveteachi0000park>
- [9]. Srnicek N, Bryant L, Harman G. Towards a Speculative Philosophy. The Speculative Turn: Continental Materialism and Realism. *Re.press*. 2011: 1–19. <https://kclpure.kcl.ac.uk/portal/en/publications/towards-a-speculative-philosophy>
- [10]. St. Pierre EA. Writing post qualitative inquiry. *Qualitative inquiry*. 2018; 24(9):603–8. <https://doi.org/10.1177/1077800417734567>
- [11]. St. Pierre EA, Jackson AY. Qualitative data analysis after coding. *Qualitative inquiry*. 2014; 20(6): 715–9. <https://doi.org/10.1177/1077800414532435>
- [12]. Eco U. 2. Function and Sign: Semiotics of Architecture. In: Gottdiener M, Lagopoulos A (ed.) *The City and the Sign: An Introduction to Urban Semiotics*. New York Chichester, West Sussex: Columbia University Press; 1986. 55–86. <https://doi.org/10.7312/gott93206-004>

- [13]. Mathew A. Architecture as a Communicative Medium. *Enquiry The ARCC Journal for Architectural Research*. 2008; 5(1).
<https://doi.org/10.17831/enq:arcc.v5i1.23>
- [14]. Monserrat-Gauchi J, Novo-Domínguez M, Torres-Valdés R. Interrelations between the media and architecture: Contribution to sustainable development and the conservation of urban spaces. *Sustainability*. 2019; 11(20): 5631.
<https://doi.org/10.3390/su11205631>
- [15]. Jelić A, Tieri G, De Matteis F, Babiloni F, Vecchiato G. The enactive approach to architectural experience: A neurophysiological perspective on embodiment, motivation, and affordances. *Frontiers in psychology*. 2016; 7: 481.
<https://doi.org/10.3389/fpsyg.2016.00481>
- [16]. Abdulzahra G.N., Al Greiza, A.A.H. The coexistence of opposites in contemporary architecture. *International Journal of Design & Nature and Ecodynamics*, 2024; 19(2): 553–561. <https://doi.org/10.18280/ijdne.190221>
- [17]. <https://archdaily.com/611169/ad-classics-at-and-t-building-philip-johnson-and-john-burgee/5488b705e58eceac6a00004e-adjing-dian-mei-guo-dian-hua-dian-bao-da-lou-at-and-t-building-fei-li-pu-star-yue-han-xun-he-yue-han-star-bo-ji-tu-xiang>
- [18]. Lyotard JF. *The Postmodern Condition: A Report on Knowledge*. Manchester University Press. 1984.
<https://archive.org/details/theory-and-history-of-literature-jean-francois-lyotard-postmodern-condition-the->
- [19]. Levin I, Mamlok D. Culture and society in the digital age. *Information*. 2021;12(2):68. DOI: <http://doi.org/10.3390/info12020068>
- [20]. Jencks C. Postmodern and late modern: The essential definitions. *Chicago Review*. 1987; 35(4): 31–58.
<https://doi.org/10.2307/25305377>
- [21]. Miike Y. An Asiatic reflection on Eurocentric bias in communication theory. *Communication Monographs*. 2007; 74(2): 272–8.
<https://doi.org/10.1080/03637750701390093>
- [22]. Foucault M. *The Archaeology of Knowledge*. Translated by A.M. Sheridan Smith. London: Routledge; 2002.
<https://doi.org/10.4324/9780203604168>
- [23]. Pritchard D. Anti-luck epistemology. *Synthese*. 2007; 158(3): 277–97.
<https://link.springer.com/article/10.1007/s11229-006-9039-7#Bib1>
- [24]. Fricker M. *Epistemic injustice: Power and the ethics of knowing*. Oxford University Press; 2007.
https://www.academia.edu/33625361/Fricker_Epistemic_Injustice_Power_and_the_Ethics_of_Knowing

- [25]. Lewis SL, Maslin MA. Defining the anthropocene. *Nature*. 2015; 519(7542):171–80.
<https://doi.org/10.1038/nature14258>
- [26]. Gadamer HG. *Truth and Method*, translation revised by Joel Weinsheimer and Donald G. Marshall. Ed. *Wahrheit und Methode*. London: Continuum Intl Pub Group. 1989.
<https://archive.org/details/truthmethod0002edgada/mode/1up>
- [27]. Malpas J, editor. *Gadamer and Ricoeur: Critical horizons for contemporary hermeneutics*. Notre Dame Philosophical Reviews. [Accessed December 2024].
<https://ndpr.nd.edu/reviews/gadamer-and-ricoeur-critical-horizons-for-contemporary-hermeneutics/>
- [28]. <https://dezeen.com/2022/03/11/liberland-metaverse-city-zaha-hadid-architects/>
- [29]. Blachowicz J. Ampliative abduction. *International Studies in the Philosophy of Science*. 1996; 10(2): 141–57.
<https://doi.org/10.1080/02698599608573535>
- [30]. Pietarinen AV, Bellucci F. *The Cambridge Companion to Peirce*. New York: Cambridge University Press. 2004.
<https://philpapers.org/rec/MISTCC>
- [31]. Beckwith A. C.S. Peirce and Abduction Inference. *JCCC Honors Journal*. 2019; 10(1): 2.
https://scholarspace.jccc.edu/honors_journal/vol10/iss1/2
- [32]. Gerrard J, Rudolph S, Sriprakash A. The politics of post-qualitative inquiry: History and power. *Qualitative inquiry*. 2017; 23(5): 384–94.
<https://doi.org/10.1177/1077800416672694>
- [33]. Diba D. Contemporary architecture of Iran. *Architectural Design*. 2012 May;82(3):70-9. <https://doi.org/10.1002/ad.1406>
- [34]. Diba D. L'Iran et l'architecture contemporaine. *Mimar* (Singapore). 1991;38:20-25. [French] Available at:
francis.inist.fr/vibad/index.php?action=getRecordDetail&idt=19648743
- [35]. Mahdavejad M, Hosseini SA. Data mining and content analysis of the jury citations of the Pritzker Architecture prize (1977–2017). *Journal of Architecture and Urbanism*. 2019 Feb 1;43(1):71-90. <https://doi.org/10.3846/jau.2019.5209>
- [36]. Abedini H, Ayvazian S, Diba D. Explaining the Theoretical Model for the Role of Architecture in Enhancing the Physical Qualities of Public Spaces as Contemporary Urban Heritage. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2024; 14(3):43-62. [Persian] Available at: <http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-75267-fa.html>

- [37]. Ahmadi M, Ansari M, Bemanian M. Geometric Data Mining and Shape Grammar of Relationship between House and Islamic Iranian Lifestyle. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2021 Apr 10;11(1):1-14. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.1400.11.1.6.9>. Available at: <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-47403-en.html>
- [38]. Bolouhari S, Barbera L, Etesam I. Learning Traditional Architecture for Future Energy-Efficient Architecture in the Country; Case Study: Yazd City. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*, 2020 Sep 10;10(2):85-93. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.1399.10.2.3.1>. Available at: <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-39832-en.html>
- [39]. Damir M, Oevermann H, Meyer M, Mahdavinejad M, Elmouelhi H. Sites of Modern Industrial Heritage in Egypt and Iran: Local, National, and International Relevance for Conservation and Reuse. *Docomomo Journal*. 2024 Jul 1(71):4-12. <https://doi.org/10.52200/docomomo.71.02> Available at: <https://docomomojournal.com/index.php/journal/article/view/467>
- [40]. Dezfuli RR, Bazazzadeh H, Taban M, Mahdavinejad M. Optimizing stack ventilation in low and medium-rise residential buildings in hot and semi-humid climate. *Case Studies in Thermal Engineering*. 2023 Oct 28:103555. <https://doi.org/10.1016/j.csite.2023.103555> Available at: <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2214157X23008614?via%3Dihub>
- [41]. Dezfuli RR, Mehrakizadeh M, Najari BS, Bazazzadeh H, Mahdavinejad M. Geometric investigation of entrance proportions of houses from the Qajar to the beginning of the early Pahlavi in Dezful City (1789–1979). *Frontiers of Architectural Research*. 2024 Feb 1;13(1):57-78. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2023.09.007> Available at: <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2095263523000870?via%3Dihub>
- [42]. Diba D, Dehbashi M. Trends in modern Iranian architecture. *J Iran Archit Chang Soc*. 2004:31-41. Available at: <https://b2n.ir/a12379>
- [43]. Esmailian Toussi H, Etesam I, Mahdavinejad M. The Application of Evolutionary Algorithms and Shape Grammar in the Design Process Based upon Traditional Structures. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 2021 May;18(95):19-36. <https://doi.org/10.22034/BAGH.2019.161797.3914>
- [44]. Gharaati F, Mahdavinejad M, Nadolny A, Bazazzadeh H. Sustainable Assessment of Built Heritage Adaptive Reuse Practice: Iranian Industrial Heritage in the Light of International Charters. *The Historic Environment: Policy & Practice*. 2023 Oct 4:1-35. <https://doi.org/10.1080/17567505.2023.2261328>
- [45]. Ghomeshi M, Pourzargar M, Mahdavinejad M. A Healthy Approach to Post-COVID Reopening of Sugar Factory of Kahrizak, Iran. In *INTERNATIONAL*

SYMPOSIUM: New Metropolitan Perspectives 2022 (pp. 2638-2647). Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-031-06825-6_252

- [46]. Kamelnia H. Community Architecture Approach in Cluster Housing Design; Assessing Methods of Participation in Contemporary Housing Design. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2013 Oct 10;3(2):63-73. [Persian]
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.1392.3.2.1.0>
- [47]. Jencks C. Why Critical Modernism?. *Architectural Design*. 2007 Sep;77(5):140-5.
<https://doi.org/10.1002/ad.534>
- [48]. Jencks C. The iconic building is here to stay. *City*. 2006 Apr 1;10(1):3-20.
<https://doi.org/10.1080/13604810600594605>
- [49]. Jencks C. What then is post-modernism?. *The post-modern reader*. 2010 May 10:14-37. Available at:
https://medien.ubitweb.de/pdfzentrale/978/047/074/Leseprobe_1_9780470748671.pdf
- [50]. Jencks C. *Le Corbusier and the continual revolution in architecture*. (No Title). 2000 Dec. Available at: <https://cir.nii.ac.jp/crid/1130282272389424896>